

دلایل اشغال سفارت انگلستان و نقش خانواده لاریجانی

علی لاریجانی به عنوان رئیس قوه مقننه که خودش باید به قوانین به مصداق "احترام امامزاده دست متولی است"، احترام بگذارد، خودش به نقض قوانین جهانی دست زده و تازه به این کار نکوهیده خویش نیز با سینه سپر کرده مباحثات می کند. در صحنه مجلس که یک عده آنرا با میدان سیرک عوضی گرفته اند، شعارهای مرگ بر انگلیس براه می اندازند تا به خیال خودشان کمر امپریالیسم فرتوت انگلستان را بشکنند. غافل از اینکه این اعمال زشت باعث تقویت امپریالیست انگلستان می باشد. بنظر می رسد که این صحنه سازبها مصرف داخلی دارد.

در شرایطی که عقل سالم حکم می کند، گسترده ترین جبهه ضد جنگ و تجاوز را در جهان بوجود آورد و به بسیج نیروها و انساندوستان جهان پرداخت، تا نقض تعهدات جهانی از جانب قدرتهای بزرگ را به زیر پرسش برده و مردم در سراسر جهان به اعتراض گسترده دست بزنند، رژیم جمهوری اسلامی، سیاست انزوا طلبی را در پیش می گیرد، که بیشتر نشانه آن است، که بیشتر غلبه بر تضادهای درونی هیات حاکمه را در نظر دارد، تا مصالح ملی ایران را. انتقاد دستگاه دولتی ایران که زیر نفوذ جناح احمدی نژاد است، از این اقدامات و اظهار تاسف از وضعیت پیش آمده، بیشتر این ظن را تقویت می کند که رژیم جمهوری اسلامی به چنین تبلیغاتی برای مصرف داخلی و کاهش نفوذ جناح احمدی نژاد نیاز داشته است.

برای شناخت این مسئله باید کمی به عقب برگشت. یکی از سایتهای ایرانی در سال 1387 در مورد خانواده هزار فامیل در ایران مطالبی منتشر ساخت که از جمله در آن به خانواده لاریجانی اشاره می کند:

"پس از شهادت مرتضی مطهری، دختر ایشان با پسر آیت الله میرزاهاشم آملی ازدواج کرد. داماد استاد اما همان کسی است که به نام دکتر علی لاریجانی يك دهه رئیس سازمان صدا و سیما و قبل از آن وزیر ارشاد اسلامی و پس از آن دبیر شورای عالی امنیت ملی شد. علی لاریجانی عضو یکی از خانواده های مذهبی و سیاسی جمهوری اسلامی است. محمد جواد لاریجانی اولین فرزند این خانواده است که به قدرت رسید: معاون وزیر امور خارجه شد و نماینده مجلس شد. **ستاره اقبال محمد جواد لاریجانی اما با يك حرکت حساب نشده در دوران انتخابات ریاست جمهوری سال 1376 فرو خفت** و او اکنون به معاونت حقوق بشر قوه قضائیه کفایت کرده است. صادق لاریجانی که "شیخ" خانواده لاریجانی هاست نیز با عضویت در شورای نگهبان در زمره قدرتمندترین فرزندان این خاندان به حساب می آید، اما آنکه از همه فرزندان مرحوم میرزا هاشم خوش اقبال تر است علی لاریجانی همان داماد استاد مطهری است که اکنون به نمایندگی از مردم قم به پارلمان راه یافته و قدم در راه ریاست مجلس و شاید ریاست جمهوری می گذارد." (تاکید از توفان).

آقای روح الله رشیدی در سایت «عدالتخواهی» در سال 1390 در رابطه با این خانواده مطالب زیرین را نوشت که نشان می داد منظور از عبارت "ستاره اقبال محمد جواد لاریجانی اما با يك حرکت حساب نشده در دوران انتخابات ریاست جمهوری سال 1376 فرو خفت" چیست:

"میانهای سال ۷۵، خبری در فضای رسانه های کشور منتشر شد که به زودی به یکی از جنجالی ترین موضوعات کشور تبدیل شد. در شرایطی که کمتر از یک سال به انتخابات مهم ریاست جمهوری [دوم خرداد ۷۶] باقی بود، دکتر محمد جواد لاریجانی خبرساز شد. او که در آن زمان نماینده و رئیس مرکز پژوهش های مجلس پنجم بود، با نیک براون [از مدیران کل وزارت امور خارجه انگلیس] در لندن دیدار کرده و در مورد مسائل داخلی کشور، از جمله موضوع انتخابات ریاست جمهوری با او گفتگو کرد. آن روزها، حجت الاسلام ناطق نوری (رئیس وقت مجلس) به عنوان کاندیدای جناح راست مطرح بود. جناح چپ نیز به همراه راست های سابق (کارگزاران سازندگی) از حجت الاسلام خاتمی حمایت می کردند. لاریجانی به عنوان تئوریسین سیاسی جناح راست، در دیدار با نیک براون، سعی کرده بود تا نگاه های منفی غرب به کاندیدای جناح راست را اصلاح کند. او به براون گفته بود که **پیروزی جناح راست در انتخابات می تواند منافع انگلیس و غرب را تامین کند**. از سوی دیگر، کوشیده بود تا چهره های رادیکال از جناح چپ و کاندیدایش ارائه کند. او حتی از موضوع فتوای قتل سلمان رشدی هم مایه گذاشته و جناح چپ را پیگیری کننده اصلی اجرای فتوای قتل سلمان رشدی معرفی کرده بود. این دیدگاه او مبتنی بر برخی اقدامات عملی چهره های منتسب به جناح چپ در مورد قتل رشدی بود. در آن زمان، بنیاد ۱۵ خرداد به سرپرستی آیت الله حسن صنعی (منتسب به جریان چپ) جایزه نقدی را برای کسی که موفق به قتل رشدی شود، اختصاص داده بود.

خلاصه، لاریجانی حسابی تلاش کرده بود تا کاندیدای جناح متنوع خود را آرامش طلب و اهل تعامل با غرب معرفی کرده و رقیب را برعکس...

محتوای این دیدار محرمانه، چندی بعد به بیرون درز کرد. روزنامه ی سلام، با انتشار بخش هایی از این مذاکره، مقدمات یک جنجال سیاسی را فراهم آورد. اینجا بود که هجمه ی وسیعی علیه لاریجانی به راه افتاد که راهبران این جریان تهاجمی، نیروهای منتسب به جناح چپ بودند. نیروهایی از مجمع روحانیون مبارز و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، با مصاحبه های پی در پی، چنان فضایی درست کردند که لاریجانی به چهره ای منفی در افکار عمومی تبدیل شد. در راهپیمایی ۱۳ آبان همان سال، بیانیه هایی از سوی دفتر تحکیم وحدت در محکومیت اقدام لاریجانی منتشر شد که نشان از جدی بودن اعتراضات داشت. مهمترین ایرادی که جناح چپ بر لاریجانی وارد می کرد، بیان مسائل داخلی کشور در حضور بیگانگان بود. چهره هایی همچون بهزاد نبوی (از سازمان مجاهدین انقلاب) به شدت به لاریجانی تاختند که چرا با انگلیسی ها جلسه گذاشته و اسرار کشور را با آنها در میان نهاده است. موضع گیری تند و همه جانبه ی جناح چپ نسبت به این دیدار، آنچنان وضعیتی پیش آورد که منجر به حذف عملی لاریجانی از عرصه ی سیاست شد. او از مجمع تشخیص مصلحت نظام کنار گذاشته شد و تا چندی پیش، از ممنوع تصویرهای تلویزیون بود!

بهزاد نبوی در گفتگویی که با ماهنامه ی صبح به مدیریت مهدی نصیری انجام داد [شماره ی ۷۲، ۲۶ مرداد ۱۳۷۶]، به دلایل این موضع گیری تند نسبت به لاریجانی پرداخت که امروز و پس از ۱۳ سال، بازخوانی بخش هایی از آن، جالب توجه می نماید. او می گوید:

«مذاکرات لندن با دو رویکرد مورد انتقاد واقع شده است. یکی به لحاظ دیدگاه های آقای اردشیر لاریجانی که همسو با انقلاب و خط امام نبود چون وقتی ایشان در ماجرای سلمان رشدی، موضعی همدلانه با دولت انگلیس اتخاذ می کند، یا در مورد اشغال لانه جاسوسی موضعی مخالف اتخاذ می کند، همه می گویند این مواضع، مغایر با دیدگاه های مسلط بر انقلاب و نظام است... رویکرد دوم... این است که ما نمی توانیم این مذاکرات را جز نوعی مواضعی سیاسی با یک دولت خارجی تلقی کنیم آن هم نه یک دولت خارجه ی معمولی مثلاً بورکینافاسو یا یک دولت دوست مثل سوریه... بلکه یک دولت خارجی

استعمارگر که سابقه‌ی نفوذ و سلطه‌ی ۲۰۰ ساله در کشور ما داشته و هنوز هم علایقی در کشور ما دارد. **هنوز سازمان فراماسونری که یک سازمان دست‌نشانده‌ی انگلیس است، در ایران ریشه‌کن نشده است.** در ضمن این دولت، دولتی است که نزدیک‌ترین متحد امریکا خصوصاً پس از فروپاشی شوروی و آغاز نظم نوین جهانی به حساب می‌آید. الان در بلوک‌بندی‌های قدرت در جهان، امریکا و انگلیس در یک طرف قرار دارند و بقیه‌ی اروپا، ژاپن، چین و روسیه، بدون آن که در یک بلوک باشند، در مقابل این بلوک قدرت ایستاده‌اند... بنابراین اگر این مواضع و تئوری با این مشخصات صورت گرفت، برای ما قابل توجیه نیست... برخورد ما با آقای لاریجانی یک چنین برخوردی است. یعنی، ایشان را متهم می‌کنیم به اینکه در یک موضعه‌ی سیاسی با یک چنین دولتی شرکت کرده است». منبع: سایت پارسینه. (تاکید از توفان). در همان زمان رقیبان آقای لاریجانی از "لاری گیت" سخن می‌راندند و بر ملاقات محرمانه با نیک براون (مدیر کل وقت وزارت خارجه انگلیس) انگشت می‌گذاشتند.

حال آن گفتگوی بهزاد نبوی مخالف آقای لاریجانی که در زندان نشسته است با ماهنامه صبح، معنی خاصی پیدا می‌کند، که در جهت افشاء تمام اقدامات کنونی خانواده لاریجانی است. در ایران این خانواده درست یا نادرست به انگلیسی (انگلو فیل) بودن در میان مردم معروفیت دارد. ظاهراً بر اساس شایعات آنها باید از همان زمانی که در نجف زندگی می‌کردند روابط حسنه با انگلیسها می‌داشته‌اند و اکنون هم برای کسب مقام ریاست جمهوری در ایران فعالیت می‌کنند و برای افزایش بخت خویش در این عرصه و جلب رضایت امپریالیستها می‌خواهند به انگلستان بفرمانند که **"پیروزی جناح راست در انتخابات می‌تواند منافع انگلیس و غرب را تامین کند"**.

محمد جواد لاریجانی که شایع است، می‌خواهد نقش هنری کیسینجر را بازی کند، در زمینه سیاستهای راهبردی رژیم فعال است و کارشناسان معتقدند که وی یک برنامه ریز راهبردی و محافظه کار است که با تدوین سیاست "تفکیک مقبولیت از مشروعیت"، جناح راست یعنی محافظه کاران مذهبی را به سمت "اقتدارگرایی" و استبداد عربان برای حفظ قدرت سوق داده است.

ولی علی لاریجانی که فعلاً رئیس مجلس است، دارای مشاغل زیر بوده است: مدیر کل برون مرزی و واحد مرکزی خبر صدا و سیما، معاونت وزارتخانه های کار و امور اجتماعی، پست و تلگراف تلفن و سپاه و مدتی نیز جانشین ستاد فرماندهی کل سپاه بود. وی همچنین دبیر شورایی امنیت ملی بود که مسئولیت مذاکرات هسته ای ایران را بر عهده داشت و مدتی نیز نمایندگی و ریاست مجلس هشتم شورای اسلامی را بر عهده داشت و دارد، وی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است، و عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی را نیز دارا بوده است. در زمان وی 5250 میلیارد ریال دزدی از تنها 5 حساب بانکی از مجموع 200 حساب بانکی صدا و سیما جمهوری اسلامی رو شد که وی آنها را "کشکی" نامید و به کسی در این زمینه پاسخگو نبود. لاریجانی این روباه مکار در زمینه اقتصادی در شهپیرزاد بوقلمون و شترمرغ پرورش می‌دهد، گاوداری کلان دارد، پرورش ماکیان در برنامه اش قرار دارد و مهمتر از همه پرورش روباه را در دستور کار خود گذارده است. گوشت و پوست روباه را به چین صادر می‌کند و در این زمینه یکه تاز است. وی در شهپیرزاد در نزدیکی سمنان بدور چشمه های آب طبیعی دیوار کشیده و اموال عمومی مردم را به مالکیت خصوصی در آورده و آب زیرزمینی و کم یاب را به خارج صادر می‌کند. پاسداران از اموال وی در شهپیرزاد پاسداری می‌نمایند. با توجه به اینکه هر وکیل مجلس 60 میلیون تومان حقوق ماهیانه همراه با فوق العاده، خانه، ماشین دولتی داراست، می‌توانید عمق ثروت لاریجانی را پس از بازگشت از نجف محاسبه کنید و ببینید به چه نان نوانی در ایران رسیده است. پس از تقلب در انتخابات ریاست جمهوری، علی لاریجانی در دشمنی با احمدی نژاد، نخست از نخست وزیر موسوی دفاع کرد، ولی با دیدن جهت باد، فوراً در کنار احمدی نژاد قرار گرفت تا آنها از آسیاب ریخت. حال که درگیری میان بیت رهبری و دولت احمدی نژاد بالا گرفته است و نامزدی اسفندیار رحیم مشائی برای دوره بعدی ریاست جمهوری با مشکل روبروست، خانواده لاریجانی تصمیم دارند نقشه همیشگی خویش را در تسخیر مقام ریاست جمهوری به اجراء بگذارند. آنها علی لاریجانی را به عنوان نامزد مقام ریاست جمهوری به میدان می‌آورند. ولی این خانواده بدسابقه که بهزاد نبوی آنها را حتی در لفافه به **"فراماسونری"** وصل می‌کند، سابقه آلوده ای در برخورد با استعمارگران انگلیسی داشته‌اند. آنها اسرار داخلی رژیم ایران را مانند یک نوکر بی اختیار، در اختیار ارباب قرار داده‌اند. نیک براون چه کسی است که یک مقام برجسته جمهوری اسلامی لازم بداند به وی، دست به سینه با سری افکنده، گزارش روابط درونی هیات حاکمه ایران را بدهد. این سوء سابقه در مورد مماشات با امپریالیست انگلستان، مانند لکه سیاهی بر پیشانی خانواده پر زاد و ولد لاریجانی چسبیده است. آنها می‌دانند که مخالفین لاریجانیها حتماً از این حربه ی نزدیکی آنها با استعمار فرتوت انگلیس، علیه آنها در شرایطی که آنها خود را نامزد مقام ریاست جمهوری کنند، استفاده خواهند کرد. بنظر می‌آید که تجاوز به سفارت انگلستان در این مرحله خطیر و تبلیغات گوشخراش در مورد یک نقض آشکار معاهده جهانی، باین خاطر صورت پذیرفته باشد، تا برگ برنده را از دست جناح احمدی نژاد در افشاء خانواده لاریجانی بربواید.

البته در میان بخشی از روحانیت که اموال دزدی خویش را به انگلستان منتقل کرده‌اند، تحریم بانک مرکزی ایران و بستن حسابهای ایرانی های بلند پایه و آقا زاده های ساکن انگلستان و جلوگیری از سفرشان به انگلستان، دلخوری فراوانی ببار آورده است، که نشان دادن زهر چشم به انگلیس را در خیانت به مصالح ایران و خدمت به جیب خودشان، نادرست ارزیابی نمی‌کنند. خامنه ای موزیانه سکوت کرده است، شاید هم بقدری از باند احمدی نژاد می‌هراسد که تکیه بر لاریجانی را به صلاح خویش می‌بیند و این امر البته نشانه رضای وی است، و احمدی نژاد این عمل را به سبک خودش نادرست دانسته است. بنظر می‌آید اشغال سفارت انگلستان مصرف داخلی داشته و تسویه حساب با جناح احمدی نژاد است. در عرصه خارجی ولی خسارت فراوانی به ایران زده و دهان ایران را در اعتراض محقانه به تجاوز آمریکا به حریم هوایی ایران بسته است. خانواده لاریجانی عملاً برای منافع شخصی و به ضرر منافع ملی ایران بهر دو امپریالیست خدمت کرده‌اند.

حزب کارایران(توفان)

آذرماه هزار و سیصد و نود

www.toufan.org

toufan@toufan.org